

چرا کشتار غیر نظامیان برای برخی تروریسم نیست؟!

«گروه حقوق جوان» با تحلیل حقوقی مؤلفه‌های تروریسم وفق حقوق و رویه بین‌الملل به این سؤال پاسخ داده که چرا کشتار در اهواز تروریستی بوده است؟

بررسی حقوقی
نیره ساری

حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، اصل اساسی و بنیان حقوق بین‌الملل است اما در این میان بارادایم‌هایی وجود دارد که این اصل را زیر سؤال می‌برد و جامعه جهانی را با بحران مواجه می‌سازد. جنگ، تجاوز، ژنوساید و انواع جنایت علیه بشریت از این قبیل است. در کنار همه اینها با پدیده‌ای به نام «تروریسم» مواجه هستیم که از آن به عنوان «سرطان دنیای مدرن» و «خشونت سیاره‌ای» تعبیر می‌شود؛ پدیده‌ای که از یک حیث نوظهور نیست اما همزمان با جهانی شدن و پیچیده تر شدن مقتضیات زندگی بشر، این پدیده نیز دستخوش تغییر و تحولات شده است. فارغ از ابهام در تعاریف تروریسم، مقتضیات جهانی شدن مسائل باعث شده که تروریسم دچار پوست‌اندازی در انگیزه‌ها، مقاصد و ابزارهای اجرایی شود. به گونه‌ای که تروریسم سنتی با مصادیق مثل هواپیماربابی جای خود را به تروریسم نوین و مدرن با مصادیق چون کشتار جمعی داده است. ایران از جمله کشورهایی است که جزو بزرگ‌ترین قربانیان تروریسم در چند دهه اخیر محسوب می‌شود و آخرین مصادیق بارز آن حمله تروریستی اخیر در اهواز است؛ موضوعی که به رغم اتفاق نظر علمای علم حقوق مبنی بر تروریستی بودن این جنایت، همچنان برخی آن را میرا از مؤلفه‌های تروریستی می‌دانند. «گروه حقوق روزنامه جوان» با بررسی واژه «تروریسم»، مؤلفه‌های حقوقی تروریستی بودن جنایت اخیر اهواز را مورد واکاوی قرار داده است.

معنای لغوی تروریسم

«تروریسم» از جمله واژگانی است که ریشه در فرهنگ غرب دارد. کلمه ترور برگرفته از واژه فرانسوی Teur به معنای هشت‌افکنی است و تروریسم از کلمه ترور (Terror) گرفته شده که به معنای هراس‌افکنی، وحشت‌افکنی یا دشت‌افکنی است اما در زبان فارسی معنای دیگری پیدا کرده و از این رو، در کتب قدیم اهل لغت به چنین واژه‌ای برخورد نمی‌کنیم اما برخی از لغت‌دانان معاصر این لغت را در فرهنگ خود جای داده‌اند. از جمله دهخدا در لغت‌نامه خود در تعریف «ترور» می‌نویسد: «ترور مأخوذ از Terreur و به معنای قتل سیاسی به وسیله اسلحه در فارسی متداول شده است.»

دگر دیسی مصادیق تروریسم

در اصل باید گفت تروریسم پدیده جدید و نوظهوری نیست اما این پدیده در طول تاریخ و به تناسب شرایط نظام بین‌المللی و جهانی شدن دچار دگر دیسی شده است. به طور مثال قبل از جنگ جهانی دوم و تا اوایل قرن بیستم، تروریسم مشتمل بر کشتن مخالفان سیاسی بود ولی با گذشت زمان به خشونت علنی و خشن با استفاده از سلاح گرم و سرد گرایش یافت و در نهایت در دهه ۹۰ در اثر جهانی شدن فناوری اطلاعات، تروریسم حتی دچار تحول مفهومی هم شد. به طور مثال می‌توان به برخی مصادیق اشاره کرد که از ابتدا در دایره حقوقی تروریسم قرار گرفته بود. اقدامات غیرقانونی علیه امنیت هواپیمای غیر نظامی (۱۹۷۱)، جرائم علیه

تروریسم دولتی



تروریسم دولتی اصطلاحی است که به دخالت دولت یا دولت‌هایی در امور داخلی یا خارجی دولتی دیگر که به وسیله اجراء یا مشارکت در عملیات تروریستی یا حمایت از عملیات نظامی برای زوال، تضعیف و براندازی دولت مذکور یا کل دستگاه حاکمه آن کشور انجام می‌شود اطلاق می‌گردد. کمک‌های مادی و معنوی (مثل حمایت سیاسی) به گروه‌های مخالف و مشارکت در عملیات‌های تروریستی و براندازی دولت‌ها، تروریسم دولتی هستند. در واقع در تعریف تروریسم دولتی می‌توان گفت صریحاً یا ضمنی در یک عمل کشتار جمعی پای یک دولت باید در میان باشد. صریحاً تروریسم مستقیم و ضمناً به حمایت‌های مالی یا تأمین نیازهای مرتبط با تروریسم از قبیل در اختیار قرار دادن دفتر و محل کار و رسانه برای گروه تروریستی برمی‌گردد.

بحران تعریف تروریسم در حقوق

یکی از مشکلات بنیادین در سخن گفتن از پدیده تروریسم این است که به رغم گذشت دو سه قرن از این مفهوم و گفت‌وگو میان دولت‌ها راجع به آن، هنوز تعریف واحد، مشترک و پذیرفتنی‌ای نه در دکتترین حقوق بین‌الملل و نه در متون حقوقی از تروریسم و تروریست وجود ندارد. اولین تلاش‌ها برای ارائه تعریف از اقدامات تروریستی به کنوانسیون ۱۹۳۷ ژنو برمی‌گردد. از آن زمان تا کنون، ارائه تعریف جامع و فراگیر از تروریسم بین‌المللی همواره با دشواری همراه بوده است.

کنوانسیون ممانعت و مجازات تروریسم ۱۹۳۷ (کنوانسیون ژنو ۱۹۳۷) را می‌توان اولین کنوانسیون بین‌المللی در خصوص تروریسم دانست. اگرچه کنوانسیون ژنو ۱۹۳۷ هیچگاه اجرایی نشده، اما نمی‌توان اهمیت آن را به عنوان اولین

وجه اشتراک تروریسم

تا کنون چیزی حدود ۲۰ کنوانسیون منطقه‌ای و جهانی در رابطه با مبارزه با تروریسم بین‌المللی داریم و طبق آن می‌توان این مفهوم را از ابعاد گوناگونی از قبیل تعاریف از جرم، دامنه جرم، استثنائات، تحفظات، ابزارهای استفاده شده توسط دولت‌های عضو، رویه‌های قضایی داخلی، تعهدات و وظایف دولت‌های عضو در همکاری، حقوق مجرم، استرداد مجرمان و استثنائات وارده بر استرداد و همکاری قضایی مورد بررسی قرار داد اما در این بین به رغم همه اختلاف‌نظرها برای تعریف واحد از تروریسم، یک نقطه نظر مشترک میان همه کشورها وجود دارد و آن جرم‌انگاری پدیده تروریسم و برخورد با تروریست طبق رویه بین‌المللی است. مطابق این اصل مشترک، به رغم آنکه تروریسم یک جرم جهانی است، تروریست را می‌توان طبق قوانین داخلی محاکمه و مجازات کرد. یعنی اگر عمل مجرمانه تروریست در هر نقطه‌ای از جهان رخ دهد، طبق قوانین داخلی همان کشور یا به کشوری دیگر

ضعف حقوق بین‌الملل

کارویژه سازمان ملل است. در منشور سازمان ملل به شورای امنیت این اجازه داده شده است تا کمیته‌ای را به نام «مبارزه با تروریسم» تشکیل دهد. این در حالی است که به موازات گسترش اعمال تروریستی و پیچیده‌تر شدن این اقدامات سازمان ملل نسبت به موازات پیشرفت و تنوع اقدامات تروریستی حرکت نکرده است بلکه همچنان با شاکله قبلی متشکل از کشورهای که خود متهم به حمایت از جنایت‌های تروریستی هستند، روند خود را ادامه داده است.

به رغم آنکه جامعه جهانی سعی دارد تا سازمان ملل را به عنوان متولی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به نقش اصلی خود برگرداند و این مهم را گوشزد کند، اما ناچار این نهاد مهم بین‌المللی به قوت خود باقی است. حال آنکه با چنین حقوق بین‌المللی پیش از قبل بر رنگ تر جوه گر می‌شود. در این راستا لازم است صلاحیت رسیدگی به تروریسم به عنوان جدی‌ترین تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی بازنگری شود و در حداقل ترین حالت از یوغ شورای امنیت بیرون برود.



۶ مؤلفه تروریستی بودن جنایت اهواز

از همان لحظات ابتدایی حمله تروریستی در مراسم رژه هفته دفاع مقدس در اهواز استفاده کردن یا نکردن از صفت «تروریستی» برای توصیف این حمله بازی رسانه‌های غربی شد اما جنایت تروریستی با مؤلفه‌های حقوقی قابل اثبات است و واضح است که اطلاق صفت «تروریستی» به یک حادثه به نحوه گزارش رسانه‌ها منوط نیست و نیازمند تطابق حقوقی است.

طبق تعریف ارائه شده از سوی سازمان ملل در متنی با عنوان «تروریسم و رسانه»، هر عملی با هدف کشتن یا آسیب زدن به شهروندان و غیر نظامیان که قصد آن بنا بر طبیعت و زمین‌ناش، ترساندن مردم یا فشار آوردن بر دولت یا سازمان‌های جهانی برای انجام کاری یا خودداری از انجام کاری باشد تروریسم محسوب می‌شود. لذا با این تعریف و البته با تعریف‌های دیگر از تروریسم، حمله اهواز یک حمله تروریستی بوده است.

ساختار تشکیلاتی و حمایت‌کننده از یک گروهک از مؤلفه‌های تروریستی بودن جنایت محسوب می‌شود. بعد از گذشت یک ساعت از این حمله، دو گروه تروریستی مسئولیت این حمله را به عهده گرفتند. صلاح ابوشرف سخنگوی این گروه تروریستی در گفت‌وگو با تلویزیون اینترنشنال حمله به مراسم رژه را رسماً در راستای عملیات‌های الاحواز به اعلام کرد. گفته می‌شود گروه تروریستی الاحواز به با کمک داعش و با کمک مالی مستقیم دولت‌های عربی در منطقه که سیاست‌های ایران‌ستیزانه را پیگیری می‌کنند می‌خواهند شکست در هشت سال جنگ تحمیلی را جبران و برای جدایی خوزستان از ایران برنامه‌ریزی کنند.

ترس و وحشت و قتل و کشتار از طریق اعمال خشونت دیگر مؤلفه اساسی تروریسم تلقی می‌شود که در جنایت اهواز همه این موارد وجود داشت. نادیده گرفتن مؤلفه پرتنگی که ذکر شد توسط رسانه‌های غربی در حالی است که مثلاً چاقو کشی بدون کشته یا با یکی دو کشته در متروی لندن را مصادیق تروریسم تلقی می‌کنند اما در عین حال برای جنایت مسلحانه که منجر به کشتار تعدادی زن و کودک و غیر نظامیان شده است، از هر واژه‌ای به جز تروریسم استفاده می‌کنند.

تروریسم پدیده‌ای است که تفاوتی بین افراد نظامی و غیر نظامی قائل نمی‌شود بلکه اکثر اوقات با استفاده از کشتار غیر نظامیان می‌خواهد به اهداف سیاسی و نااعلانه خود دست یابد. کشتار افسران بی‌گناه، غیر نظامیان و کودکان و زنان مصادیق مؤلفه دیگر تروریستی بودن جنایت اهواز محسوب می‌شود.



واکنش مسئولان سایر کشورها و همدردی نسبت به حادثه تروریستی اهواز از دیگر مؤلفه‌های تروریستی بودن یک جنایت محسوب می‌شود. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه با ارسال پیامی در خصوص جان‌آختن شهروندان ایرانی در حمله تروریستی اهواز بر آمادگی مسکو برای همکاری با تهران در زمینه مبارزه با تروریسم تأکید کرد. همچنین ببرت مک‌گری سفیر انگلیس در تهران در حساب توییتر خود نوشت: «یک حمله تکان‌دهنده تروریستی. این حمله به جای این‌که بیفکند باید محکوم شود.» وزارت امور خارجه فرانسه نیز در بیانیه‌ای این حمله را به شدت محکوم کرد. اسپانیا، اتریش، نروژ، عمان، بولیوی، یمن، فلسطین، افغانستان، ترکیه، آذربایجان و ارمنستان نیز از دیگر کشورهای بودند که سران این کشورها در پیام‌هایی مراتب همدردی خود با این جنایت تروریستی را اعلام کردند. به رسمیت شناختن یک حادثه به عنوان یک حادثه تروریستی از جانب کشورهای ثالث گواه و مؤیدی بر تروریستی بودن اتفاقات اهواز است.

سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نیز که در حقوق بین‌الملل شخصیتی متفک از دولت‌ها دارند این اقدام را به عنوان یک حادثه تروریستی می‌شناسند. شورای امنیت سازمان ملل متحد با انتشار بیانیه‌ای حمله اهواز را «تروریستی، شروانه و بز دلانه» خواند و آن را «به شدت» محکوم کرد. اعضای شورای امنیت این بیانیه ضمن تسلیت به «خانواده قربانیان و دولت ایران» تروریسم را «در هر شکلی» محکوم کردند و آن را «شدیدترین تهدید علیه صلح و امنیت بین‌الملل» خواندند.

مؤلفه‌های فوق در حالی است که برخی رسانه‌های غربی ترجیح دادند با وجود شواهد و قراین آشکار از لحظات ابتدایی از به کار بردن و اطلاق واژه «تروریستی» به حمله تروریستی اهواز سر باز زنند و از واژه «حمله مسلحانه» در توصیف این حمله استفاده کردند. بسیاری از این رسانه‌ها هنگام درج اخبار فوری حملات گاه و بیگاه چاقویی یا خودرویی به غیر نظامیان در برخی از کشورهای اروپایی، حتی پیش از اظهار نظر رسمی مقامات این کشورها، ظن تروریستی بودن حادثه را پیش می‌کشند و روی آن مانور می‌دهند.